محل شهادت امیر المؤمنین علی بن ابوطالب رضي الله عنه

(مقتل علی بن ابي طالب رضي الله عنه)

شیخ الاسلام ابن تیمیه

بسم الله الرحمن الرحیم

فهرست مطالب

بسم الله الرحمن الرحیم

از شیخ الاسلام ابن تیمیه پرسیدند آیا برای علما و محدثین و کسانی‌که می‌توان به آنان اقتدا کرد ثابت شده که امام علی فرموده باشد اگر من مُردم بر پشت شترم سوار کرده و شتر را رها کنید هرکجا خوابید آنجا مرا دفن کنید پس از شهاداتش این چنین کردند و به همین علت در حال حاضر محل دفن وی معلوم نیست آیا چنین چیزی صحت دارد یا خیر؟ آیا کسی از علما محل دفن امام علی را می‌داند؟ و اصلاً علت به قتل رسانیدن وی چه بود؟ و در چه وقتی روی داد؟ و چه کسی وی را به شهادت رساندند؟ و همچنین و به چه علت امام حسین را به شهادت رساند؟ و آیا صحت دارد که به اهل بیت پیامبرﷺ توهین شده و پس از مرگشان آنها را به صورت لخت و عریان بر شتر سوار کرده و عورتشان را نپوشانیده باشند و خداوند برای شتر دو کوهان آفریده باشد تا عورت آنها را در میان آن دو کوهان بپوشاند؟ و آیا صحت دارد پس از شهادت امام حسین سرِ وی را در تمام شهرها نمایش داده سپس به سوریه و مصر انتقال داده و در مصر دفن کرده باشند و تمام این جنایتها را یزید پسر معاویه با اهل بیت پیامبرﷺ انجام داده باشد؟ (و در صورت عدم صحت) آیا گوینده این جملات بدعت گذار در دین محسوب می‌شود یا خیر؟ و سزای کسی که این جریانات را درمیان مردم اشاعه می‌دهد چیست؟ آیا کسی که جلوی پخش و اشاعه اینها را بگیرد کارش امر به معروف و نهی از منکر به حساب می‌آید یا خیر؟ لطفاً به صورت واضح و روشن ما را راهنمایی فرمائید خداوند متعال به شما اجر و پاداش خیر دهد.

داستان سوار کردن جنازه امام علی بر شتر یک روایت کاملاً جعلی است

شیخ الاسلام ابن تیمیه پاسخ دادند که: این که امیر المؤمنین علی وصیت کرده باشد که پس از مرگش بر پشت شترش سوارش کرده و شتر را رها کرده و هر کجا که شتر خوابید دفن گردد و چنین کرده باشند، این جریان به اتفاق تمام علما دروغ و ساختگی و جعلی بوده، امام علی چنین وصیتی نکرده و چنین جریانی اصلاً رخ نداده و هیچ کدام از اهل علم و انصاف آن را نفرموده‌اند این جملات فقط از عده‌ای دروغگو نقل شده است. و اصلاً جایز نیست چنین عملی با جنازه هیچ مسلمانی انجام داده شود و اینچنین وصیتی نامشروع است و این عمل همان مثله کردن جنازه به حساب می‌آید و فایده‌ای در انجام این کار وجود ندارد اگر منظور از این عمل مخفی ساختن محل دفن است، اصلاً نیازی به این اهانت و توهین به جنازه نیست بلکه می‌توان به صورت سرّی و مخفیانه قبری کند و او را در آن دفن کرد چه نیازی هست که جنازه را سوار بر شتر در میان مردم بگردانند.

اما علما در مورد محل واقعی دفن امام علی اختلاف نظر دارند، معروف و مشهور نزد علما این است که امام پس از شهادتش در قصر حکومتی کوفه معروف به دار الاماره دفن گشته تا بدین شیوه مخفی بماند. مبادا خوارج وی را از قبر بیرون آورده و جنازه را هتک حرمت کنند. (چنین کاری از خوارج بر می‌آید) آنها امام علی را کافر پنداشته و خون ریختنش را حلال می‌دانستند کسیکه وی را به شهادت رساند عبدالرحمن پسر ملجم مرادی یکی از افراد خوارج بود که با دو نفر دیگر از خوارج برای کشتن امام علی، معاویه و عمرو عاص با هم پیمان بسته بودند چون هر سه نفر را کافر می‌دانستند و هم چنین هر کسی را که با فکر و اندیشه آنان سازگاری نداشته را تکفیر می‌کردند.

توطئه چینی برای قتل عده‌ای از اصحاب و جنگ امام علی با خوارج

احادیث پیامبر در مذمت خوارج به حد تواتر رسیده است امام مسلم در صحیح خود از ده طریق و امام بخاری نیز از طریقهای متعددی حدیث مربوط به خوارج را نقل کرده‌اند و هم چنین در سایر سنن و مسانید بیشتر از صحیحین (مسلم و بخاری) در این رابطه حدیث به دست ما رسیده است. پیامبر اکرمﷺ در رابطه با خوارج می‌فرماید: «يَحْقِرِ أَحَدكُمْ صَلَاته مَعَ صَلَاتهمْ, وَصِيَامه مَعَ صِيَامهمْ وقرائته يَقْرَءُونَ الْقُرْآنَ لاَ يُجَاوِزُ حَنَاجِرَهُمْ يَمْرُقُونَ مِنَ الإِسْلاَمِ كَمَا يَمْرُقُ السَّهْمُ مِنَ الرَّمِيَّةِ لَئِنْ أَدْرَكْتُهُمْ لأَقْتُلَنَّهُمْ قَتْلَ عَادٍ». وفی رواية: «فَأَيْنَمَا لَقِيتُمُوهُمْ فَاقْتُلُوهُمْ فَإِنَّ فِي قَتْلِهِمْ أَجْرًا لِمَنْ قَتَلَهُمْ عِنْدَ اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَة يَقْتُلُونَ أَهْلَ الإِسْلاَمِ وَيَدَعُونَ أَهْلَ الأَوْثَانِ». «هر کدام از شما در مقابل نماز و روزه و قرائت قرآن آنان، نماز و روزه و قرائت خود را کم و اندک و ناچیز می‌شمارد، آنان قرآن می‌خوانند اما از حنجره‌هایشان تجاوز نمی‌کند از اسلام بیرون می‌روند همانند بیرون رفتن تیر از لاشه حیوان شکار شده اگر آنها را ببینیم همانند قوم عاد آنان را به قتل می‌رسانم – و در روایتی دیگر می‌فرماید – هر کجا که آنها را دیدید بکشیدشان براستی که در روز قیامت به قاتلین آنان اجر و پاداش داده می‌شود آنها امت اسلام را می‌کشند در حالی که به بت پرستان کاری ندارند». تمام اصحاب پیامبر بر کشتن آنان اتفاق نظر داشتند اما کسی که مستقیماً با آنان جنگید و به کشتن‌شان دستور داد امام علی بود. همچنان که در صحیحین (مسلم و بخاری) آمده که ابی‌سعید خدری از پیامبرﷺ نقل کرده که فرمود: «تَمْرُقُ مَارِقَةٌ عِنْدَ فُرْقَةٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ يَقْتُلُهَا أَوْلَى الطَّائِفَتَيْنِ بِالْحَقِّ».«به هنگام بروز اختلاف و دو دستگی درمیان مسلمین، گروهی از اسلام جدا می‌شوند که نزدیک‌ترین دسته و طائفه به حق»، با آنان می‌جنگد همین شد امام علی در روز جنگ نهروان آنان را به قتل رسانید چون خوارج در محلی به اسم حروراء جمع شده بودند، به آنان حروریه می‌گفتند. قبل از این که جنگ رخ دهد امام علی عبدالله ابن عباس رضی الله عنهما را

به نزد آنان جهت مناظره فرستاد و در نتیجه بحث و گفتگوی ابن عباس با آنان نزدیک به نصفشان به سوی حق بازگشته و بقیه بر عقیده خود ماندند پس از آن عبدالله پسر خباب را به شهادت رسانده و حیوانات و اموال مسلمانان را غارت کردند امام علی نیز مردم را برای جنگ و رویارویی با آنان فرا خواند و احادیث پیامبر در رابطه با خوارج را به مردم گوشزد کرده و وجود نشانه‌ها و علامات ذکر شده در احادیث را در افراد خوارج برای مردم ثابت کرد.

و این حدیث پیامبر را به یاد آنان انداخت که فرمود: درمیان آنان مردی با دست‌های ناقص و کوتاه وجود دارد که روی یکی از پستان‌هایش تکه گوشتی اضافه آویزان است، پس از پایان جنگ در میان جنازه‌های خوارج دقیقاً چنین فردی را پیدا کردند. همچنان که قبلاً ذکر شد وقتی سه نفر از خوارج جهت قتل سه نفر از بزرگان مسلمین آماده شدند، عبدالرحمن پسر ملجم مرادی موفق شد امام علی را در روز جمعه، هفدهم ماه مبارک رمضان سال چهل هجری به شهادت برساند، وقتی امام علی برای ادای نماز صبح به مسجد تشریف آورد ابن ملجم مرادی که خود را مخفی ساخته بود او را با شمشیر زد. سنت در میان مسلمین همین بود که خلفاء و امیرهای جانشین آنان نمازهای پنجگانه، نماز جمعه و نماز عید و نمازهای طلب باران و خورشید گرفتگی و نمازه جنازه و غیره را برای مردم به امامت بخوانند همان امیر جنگ، امام نماز نیز بود. اما کسی که خواست امیر معاویه را به قتل برساند عده‌ای می‌گویند موفق شد او را زخمی کند اما پزشکان وی را علاج کردند و به او گفتند به علت ضربه‌ای که خورده نسلش قطع خواهد شد. و برخی دیگر می‌گویند: امیر معاویه قسمتی از مسجد را به صورت دیوار و حصار جدا کرده بود تا خود و اُمرا و افراد عالی رتبه حکومت اسلامیش در آنجا پشت سر وی نماز بخوانند تا مخالفین دستشان به خلیفه نرسد اگر چنین کاری کرده باشد. هستند کسانی که نماز خواندن در چنین مکانهایی را مکروه می‌دانند.

و اما کسی که خود را برای کشتن عمرو ابن عاص آماده ساخته بود موفق نشد چون آن روز عمرو ابن عاص به نماز صبح نیامده بود بلکه فردی به اسم خارجه را جایگزین کرده بود وقتی آن مرد او را به قتل رساند و مطمئن شد عمرو ابن عاص نیست و خارجه است گفت: من قصد قتل عمرو را کردم اما خدا قصد قتل خارجه را داشت پس خارجه نیز مانند عمرو شد (مانند عمرو کافر شد) می‌گویند: مسلمانان قبر امام علی و امیر معاویه و عمرو عاص را از ترس فتنه خوارج مخفی کردند و از ترس خوارج بود که معاویه را پشت دیوار جلوی مسجد جامع در قصر حکومتی که «خضراء» نام داشت دفن کردند و همین قبر است که مردم آن را به قبر پیامبر خدا هود‌ می‌شناسند. به اتفاق علما حضرت هود به دمشق نیامده بلکه ایشان در کشور یمن همانجایی که به پیامبری برگزیده شد دفن گشته‌اند. و عده‌ای می‌گویند حضرت هود به مکه هجرت کرده و در همانجا سکونت کرده و در مکه مدفون است و هیچ عالمی نگفته که در دمشق است. اما قبری که در بیرون «باب التصغیر» به قبر معاویه مشهور است قبر معاویه پسر یزید است که مردی پارسا و اهل تقوی بود و چهل روز بر مردم حکومت کرد و امام علی نیز در همانجا دفن شده و قبرش با خاک یکسان شده تا مخفی بماند.

زیارتگاه مشهور نجف، قبر امام علی نیست

اهل علم بر این امر اتفاق نظر دارند که قبر امام در زیارتگاه مشهور نجف نیست بلکه عده‌ای می‌گویند مغیره پسر شعبه در آنجا مدفون است هیچ عالمی نفرموده که قبر امام علی در نجف است جالب اینجاست بیش از سیصد سال از شهادت امام علی گذشته بود و هنوز کسی به زیارت، زیارتگاه نجف نرفته بود درحالیکه مسلمانان زیادی از اهل بیت، شیعه و سایرین در نجف زندگی می‌کردند، آن قبر پس از سیصد سال یعنی در زمان حکومت بنی بویه که یکی از پادشاهان غیر عرب بود، به عنوان زیارتگاه انتخاب شد و به

قبر امام علی نامگذاری شد. داستانهایی نیز در رابطه با آمدن رشید خلیفه به سوی آن قبر روایت کرده‌اند اما قابل اعتماد نیستند.

شهادت امام حسین

امام حسین که لعنت بر قاتلش و هم چنین لعنت بر کسی که به قتلش راضی بود باد، در روز عاشورا (دهم محرم) سال ۶۱ هجری شهید شد، کسی که بسیار برای کشتنش تلاش می‌کرد شمر پسر ذی الجوشن بود که چندین بار به جانشین یزید در حکومت عراق یعنی عبیدالله پسر زیاد نامه نوشت و بالأخره ابن زیاد نیز به جنگ و رویارویی با امام حسین دستور داد، ابن زیاد، عمر پسر سعد ابن ابی وقاص را به جانشینی خود در این جنگ انتخاب کرد هر چند که امام حسین مانند سایر مسلمانان به آنها گفت با خود جنگ آور نیاورده و قصد جنگ ندارد و از آنها خواست او را آزاد بگذارد تا به سوی مدینه بازگشته و یا او را به نزد پسر عمویش یزید بفرستند یا بتواند به «ثغر» رفته و با کفار بجنگد اما آنها گفتند یا باید به اسارت آنها در آید یا با او می‌جنگند امام حسین اسارت را قبول نکرد و با او جنگید تا خود و عده‌ای از خانواده و یارانش را به شهادت رساندند سپس جنازه و خانواده‌اش را به نزد یزید پسر سر معاویه در دمشق فرستادند یزید به قتل امام حسین دستور نداده بود بلکه از کشتنش نیز خوشحال نشد می‌گویند وقتی جریان را فهمید گفت: لعنت خدا بر بن زیاد باد به خدا سوگند اگر در میان ابن زیاد و حسین صله رحمی وجود داشت حسین را نمی‌کشت. یزید خواست با این جمله، ادعای ابن زیاد را زیر سوال ببرد که خود را از ابی سفیان می‌دانست. (ابوسفیان از بنی امیه و امام حسین از بنی‌هاشم بود) و بنی امیه و بنی‌هاشم هر دو از بنی عبد مناف بوند.

روایت شده وقتی جنازه امام حسین و خانواده ایشان به نزد یزید رسیدند گریه و زاری تمام کاخ و منزل یزید را گرفت یزید احترام و محبت فراوانی را به نسبت خانواده ایشان اظهار کرده و پسرش علی را در بین ماندن نزد یزید و یا رفتن به مدینه مختار کرد

که علی رفتن به مدینه را انتخاب کرد اما محلّی در مسجد جامع دمشق که به زندان علی ابن حسین معروف است باطل و بی‌اساس است اما متاسفانه با وجود همه اینها یزید نه تنها حد و قصاص شرعی را با قاتلین امام حسین اجرا نکرد بلکه برای تداوم حکومت و ملک خویش یاران وی را نیز به قتل رساند. در این رابطه اشعاری نیز از وی نقل گشته که کفر صریح و آشکار است:

لـما بدت تلك الحمول واشرفت تلك الرّؤوس إلى ربّى جيرونی

نعق الغراب فقلت نح او لا تنح فلقد قضيت من النبی ديونی

نظر مردم در رابطه با یزید ابن معاویه

نظر و رأی مردم در رابطه با یزید متفاوت است، بعضی او را کافر پنداشته و حتی پدرش را تکفیر کرده و به همین اندازه بسنده نکرده بلکه حتی ابوبکر و عمر و عثمان و جمهور مهاجرین و انصار را نیز مرتد و کافر دانسته‌اند این گروه رافضه نام دارند که جاهل‌ترین و گمراه‌ترین مردمان‌اند و بیشترین دروغها را به خدا و پیامبر و اصحاب اهل بیت بسته‌اند پس افترا و دروغ بستنشان به یزید مانند افترا و دروغ بستن به ابی‌بکر و عمر و عثمان است بلکه نسبتاً بسیار اندک و ناچیز است.

گروهی دیگر وی را از جمله ائمه و پیشوایان دینی و خلیفه‌های عادل و صالحین درگاه خدا و حتی صحابه شمرده‌اند و گروهی دیگر وی را پیامبر نامیده‌اند که این ادعاها از جمله روشن‌ترین و واضح‌ترین جهالت‌ها و ضلالت‌ها است یزید پادشاهی است مانند سایر پادشاهان مسلمان که نیکی و بدی فراوانی داشته است قول صحیح در رابطه با او همانند قول در رابطه با سایر پادشاهان است در جاهای دیگر این بحث را به طور مفصل شرح داده‌ایم.

«نقد و بررسی روایات مربوط به یزید و شهادت امام حسین و محل دفن وی»

امام حسین در محل کربلا نزدیک به رود فرات شهید گشته و جنازه وی در همان محل دفن شده و سر بریده شده‌اش به نزد عبیدالله ابن زیاد در کوفه فرستاده شد این چیزی است که امام بخاری در صحیح خود و عده‌ای دیگر از ائمه آن را نقل کرده‌اند. اما حمل جنازه به سوی شام به نزد یزید در روایت‌های منقطعی آمده که هیچ‌یک از این روایت‌ها ثابت نیستند حتی در بعضی از آنها کلماتی وجود دارد که شکّی در ساختگی بودن آن باقی نمی‌گذارد مثلاً در یکی از این روایات آمده که یزید با تکه چوبی لب امام حسین را بالا زده و آن را به دندانهایش کشیده و عده‌ای از اصحاب مانند انس ابن مالک و ابی برزه در آنجا حضور داشته و از این کار نهی کرده‌اند که این، انحراف و عوض کردن ماجرا است.

اولاً: هم چنان که در احادیث صحیح آمده کسی که این کار را انجام داده عبیدالله ابن زیاد بود نه یزید در این روایت یزید را به جای ابن زیاد گذاشته‌اند شکی نیست که ابن زیاد دستور قتل امام حسین را صادر کرده و امر کرد تا سرش را به نزد وی ببرند.

ثانیاً: پس از این ماجرا ابن زیاد به همین خاطر از جانب مسلمین کشته شد چیزی که ماجرا را بیشتر روشن می‌کند این است که دو صحابه مذکور در شام نبوده‌اند بلکه در آن هنگام در عراق سکونت داشته‌اند. دروغگویان سازنده این روایت حداقل همین‌اندازه آگاهی نداشته‌اند تا بدانند به چه چیزی استناد کرده‌اند. اما داستان حمل و انتقال جنازه و یا سر امام حسین به مصر باطل و جعلی است تمام علما بر این رأی متفق‌اند که زیارتگاه مشهور به قبر حسین در مصر کاملاً ساختگی است نه جنازه و نه سر امام حسین در آنجا دفن نشده است.

این زیارتگاه در اواخر دوره حکومتی اولاد عبیدالله ابن قداح که دویست سال بر

مملکت مصر حکومت کرده و در زمان نورالدین محمود حکومتشان نابود گردید ساخته شد آنها ادعا می‌کردند از اولاد حضرت فاطمه هستند و ادعای شرف نسب و خاندان می‌کردند در حالی که دانشمندان و متخصصین علوم انساب می‌گویند حسب و نسب شریفی ندارند و بعضی می‌گویند جدّ بزرگ آنان ربیب شریف حسینی است که به خاطر رسیدن به او در نسب است که ادعای شرف خاندان و نسب می‌کنند علمای کرام می‌گویند این گروه، مذهب و عقیده منکر و خبیثی داشته‌اند.

مذاهب شیعه را در مصر علنی کردند اما بیشتر افراد بزرگ و افراد عادی آنها مذهب خبیث قرامطه باطنیه را داشته‌اند که از جمله خبیث‌ترین مذهبهای روی زمین و خطرناک‌تر از دین یهود و مذهب یهود و نصاری است.

به همین خاطر بود که تمام کسانی که به این جماعت پیوستند اهل کفر و نفاق و بدعت فلاسفه و اباحیه و رافضی و امثال اینها بودند که اهل علم و معرفت شکی در کفری بودن این عقاید و مذاهب ندارند.

زیارتگاه مذکور در مصر در قرن پنجم ساخته شده است مدتی پس از آن دولت و حکومتی که آن را ساخته بود با مرگ عاضد آخرین پادشاهشان منقرض شد. آنچه در رابطه با محل دفن سرِ امام حسین مورد اعتماد باشد گفته زبیر بن بکار است که در کتاب (انساب قریش) می‌گوید: سر امام حسین به مدینه انتقال داده شد و در آنجا مدفون است زبیر آگاه‌ترین و مورد اعتمادترین عالم در علم انساب است و گفته‌اش نیز مناسب و عقل پسند است.

قبر پسرش علی، برادرش امام حسن و عموی پدرش حضرت عباس نیز همانجا است. ابوالخطاب پسر دحیه که به او می‌گویند صاحب دو نسب، نسبی از امام و نسبی از دحیه در کتاب «العلم المشهور في فضل الأيام والشهور» همان جمله زبیر را از محمد پسر امام حسن نقل کرده و سپس می‌گوید: وقتی سر امام حسین به مدینه رسید بنی‌امیه نزد عمرو بن سعید (حاکم مدینه) بودند صدای شیون و زاری را شنیده و پرسیده صدای

چیست؟ گفتند صدای گریه زنان بنی‌هاشم است چون سرِ حسین را دیده‌اند شیون و زاری می‌کنند. سپس ابوالخطاب می‌گوید: سر امام حسین را به نزد عمرو بن سعید بردند گفت ای کاش امیر المومنین سر حسین را نزد من نمی‌فرستاد و در آخر می‌گوید: این اثر[1] ثابت می‌کند که سر امام حسین به مدینه انتقال داده شده است و جز این اثر قول صحیحی در دست نیست و زبیر آگاه‌ترین عالم در علم نسب است. اما آنچه می‌گویند سر امام حسین در عسقلان مصر دفن شده است داستانی است ساختگی و باطل که هرگز آن را قبول نمی‌کند کسی که یک ذره عقل داشته باشد چون بنی امیه با وجود همه دشمنی‌ها و کینه و عداوتی که در دل داشتند چگونه تصور می‌شود که بر محل دفن سر امام حسین زیارتگاه بسازند؟ این کار در زمان بنی عبید روی داده، در روزهای شکست و زمان روی آوردن نکبتی و بدبختی به آنها و اواخر حکومتشان یعنی در زمان فرمانروایی قاسم عیسی پسر ظافر که در سن پنج سالگی ریاست را به وی سپردند. چون روز جمعه یازدهم محرم سال ۵۴۴ متولد شده و در روز کشته شدن پدرش ظافر یعنی در روز پنجشنبه آخر محرم سال ۵۴۹ حکومت را در دست گرفت. بیعت و امامت هیچ حاکمی در سن کودکی جایز نیست.

این حاکم کودک، در شب جمعه هفدهم ماه رجب سال ۵۵۵ پس از یازده سال و شش ماه عمر فوت کرد. زیارتگاه مشهور مصر در زمان حکومت وی در قاهره ساخته شد، ساختن گنبد و بارگاه و زیارتگاه موسوم به زیارتگاه سرِ امام حسین فقط به خاطر خود شیرینی و کسب قدرت و سلطه از دست رفته و جلب اعتماد دوباره مردم مسلمان مصر بود و کاری عمدی و قصدی و برنامه ریزی شده بود برای کسب اعتماد و طرفداری مردم، سازنده آن نیز فردی بود به نام طلائع پسر رز یک رافضی بود.

هیچ‌کدام از نویسندگانی که در رابطه با شهادت امام حسین، کتاب نوشته‌اند نگفته‌اند که سر مبارک امام حسین به کشوری غریب برده شده است. و چیزی که ابوالخطاب ابن

۱- اثر به قول صحابه و تابعین گفته می شود. (مترجم).

دحیه در رابطه با ساختگی و جعلی بودن آن محل نوشته، مورد اتفاق اهل علم است.

گفتار در این مورد و موارد مشابه بسیار زیاد است چون به سبب شهادت امام عثمان و امام حسین فتنه‌های زیادی پدید امده و دروغ و افتراهای بسیاری ساخته شده عده زیادی از مردمان قدیم و جدید در این فتنه‌ها و افترائات افتادند انواع اکاذیب و افترائات به هر دو امیر المؤمنین عثمان و علی نسبت داده، بخشی از این افترائات را دوستان و شیعیان و بخشی دیگر را دشمن ساختند خصوصاً پس از شهادت امام عثمان که دروغ پردازیها زیاد شد. در رابطه با امام علی افترائات زیادی از دو طرف دوست و دشمن ساخته شده که امام علی از هر دو بری است.

بالأخره بدعت سازی کارش به جایی رسید که شرحش بسیار طولانی است مانند: بدعت سازی روز عاشورا که اخیراً ساخته شده و ان اینکه در روز عاشورا عده‌ایی عزا و ماتم گرفته و در آن مجالس، کارهایی از قبیل شیون و زاری و خود زنی و خود آزاری و ستم بر حیوانات انجام گرفته و همچنین به اولیای بزرگ الهی که در قدیم الأیام وفات کرده‌اند، دشنام و اهانت و توهین می‌شود و افترائات و دروغهای زیادی به اهل بیت نسبت می‌دهند که تمام اعمال مذکور از جانب قرآن و سنت و اجماع نهی شده‌اند (و در مقابل بدعتهای فراوانی از جانب دشمنان مانند: برپایی جشن و سرور و غسل و پوشیدن لباس نو و عطر افشانی و غیره در همین روز ساخته شده است).

(مقام حسن و حسین و اعمال مشروع و نا مشروع به هنگام مصیبت)

خداوند متعال در روز عاشورا، امام حسین را به درجه رفیع شهادت مکرّم و عزیز ساخته و همچنین قائل و همدستانش و هر کس که به قتلش راضی بود را ست و خوار و ذلیل کرد و اسوه و امام و مقتدای حسین در شهادتش، شهدای قبل از او هستند.

حسن و حسین سید و سرور جوانان بهشتی‌اند اما چون هر دو در زمان عزت و قدرت و حکومت اسلام تربیت شده و از هجرت و جهاد و صبر بر اذیت و آزار به خاطر خدا، بهره‌ایی نبرده بودند، خداوند متعال آنها را به شهادت، مکرّم و معزّر کرد تا همانند

سایر افراد اهل بیت درجه و مقام و منزلتشان کامل گشته و درجه کامل آنها را دریافت کنند و براستی که شهادت امام حسین مصیبتی عظیمی بود.

خداوند متعال به هنگام مصیبت دستور به استرجاع فرموده همچنان که می‌فرماید: ﴿وَبَشِّرِ ٱلصَّٰبِرِينَ ١٥٥ ٱلَّذِينَ إِذَآ أَصَٰبَتۡهُم مُّصِيبَةٞ قَالُوٓاْ إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّآ إِلَيۡهِ رَٰجِعُونَ ١٥٦ أُوْلَٰٓئِكَ عَلَيۡهِمۡ صَلَوَٰتٞ مِّن رَّبِّهِمۡ وَرَحۡمَةٞۖ وَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡمُهۡتَدُونَ ١٥٧﴾ [البقرة: ۱۵۵-۱۵۷]. «به بردباران بشارت دهید آنانیکه به هنگام مصیبتشان می‌گویند: ما همه متعلق به خدا بوده و همگی به سوی او باز می‌گردیم آنان کسانی هستند که از جانب پروردگارشان رحمت و برکت بر آنان است و آنها هدایت یافته هستند».

در صحیحین (مسلم و بخاری) از پیامبر اکرم روایت شده که فرمود: «مَا مِنْ مُسْلِمٍ تُصِيبُهُ مُصِيبَةٌ فَيَقُولُ مَا أَمَرَهُ اللَّهُ إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ اللَّهُمَّ أْجُرْنِى فِى مُصِيبَتِى وَأَخْلِفْ لِى خَيْرًا مِنْهَا. إِلاَّ أَخْلَفَ اللَّهُ لَهُ خَيْرًا مِنْهَا». «هر مسلمانی که به مصیبتی گرفتار آید بگوید: ما همه متعلق به خدا هستیم و همگی به سوی او بر می‌گردیم خداوندا در مصیبتم مرا اجر و پاداش عطا فرموده و بهتر از آنچه از دست داده ام را برایم جایگزین فرما، قطعاً خداوند او را اجر و پاداش عطا فرموده و بهتر از آن را برایش جایگزین خواهد کرد».

جالب اینجاست که امام احمد و امام ابن ماجه از فاطمه دختر امام حسین روایت کرده‌اند که امام حسین از پیامبر نقل می‌کند که فرمود: «ما من مسلم يصاب بمصيبة فيذكر مصيبة و إن قدمت فيحدث عندها إسترجاعا كتب الله له مثلها يوم أصيب» «هر مسلمانی که به مصیبتی گرفتار آید هر وقت که آن مصیبت را به یاد آورد بگوید: إنا لله و إنا إليه راجعون، خداوند همان‌اندازه برایش اجر و پاداش می‌نویسد که روز اول مصیبت و گرفتاری نوشته است هر چند که مدت زمانی طولانی از وقوع مصیبت سپری شده باشد». این حدیث را فاطمه از امام حسین بازگو می‌کند فاطمه‌ایی که شاهد شهادت پدرش بوده است. جای شک و تردید نیست که با وجود مرور زمان و قدمت ایام، باز هم مصیبت کربلا و شهادت امام حسین همیشه به یاد مسلمانان می‌افتد پس چه زیبا است که هر مسلمانی به سنت

پیامبر عمل کرده و هر وقت این مصیبت را به یاد آورد استرجاع کند تا همان اجری را دریافت کند که مسلمانان در روز عاشورا و وقوع حادثه عظیم کربلا دریافت کرده‌اند.

اما اگر مسلمانی پس از مدت زمانی طولانی به هنگام یاد آوری آن مصیبت کارهای نامشروعی را انجام دهد که پیامبر اکرم آن را در زمان وقوع مصیبت منع فرموده و از آن نهی نامشروعی را انجام دهد که پیامبر اکرم آن را در زمان وقوع مصیبت منع فرموده و از آن نهی می‌کند مانند: خود زنی، سینه دریدن، واویلا گفتن و غیره، بداند که عقوبت و سزای او بسیار خطرناک‌تر از کسی است که آنها را در لحظه اول وقوع حادثه مرتکب شده است. در صحیحین (مسلم و بخاری) از عبدالله ابن مسعود روایت شده که پیامبر اکرم می‌فرماید: «لَيْسَ مِنَّا مَنْ ضَرَبَ الْخُدُودَ، وَشَقَّ الْجُيُوبَ، وَدَعَا بِدَعْوَى الْجَاهِلِيَّةِ». «کسی که بر صورت خود کوبیده، سینه را پاره کرده و مانند زمان جاهلیت واویلا بگوید، از ما نیست».

همچنین در صحیحین از ابوموسی اشعری روایت است که فرمود: «أنا بریءٌ مما بریءٌ منه رسول الله إن رسول اللهﷺ بریءٌ من الحالقة و الصالقة و الشاقة». «من از هر آنچه پیامبر از آن بری بوده، بری هستم براستی که پیامبر اکرم از کسی که به هنگام مصیبت موی خود را بکشد و یا صدایش را بلند کرده و یا سینه را پاره کند، بری بود».

در صحیح مسلم نیز از ابومالک اشعری آمده که پیامبر فرمود: «أَرْبَعٌ فِي أُمَّتِي مِنْ أَمْرِ الْجَاهِلِيَّةِ لا يَتْرُكُونَهُنَّ: الْفَخْرُ فِي الأَحْسَابِ، وَالطَّعْنُ فِي الأَنْسَابِ، وَالاسْتِسْقَاءُ بِالنُّجُومِ ، وَالنِّيَاحَةُ على الـميت. قَالَ: النَّائِحَةُ إِذَا لَمْ تَتُبْ قَبْلَ مَوْتِهَا تُقَامُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَعَلَيْهَا سِرْبَالٌ مِنْ قَطِرَانٍ ودرع من جرب». «چهار اثر از آثار زمان جاهلیت در میان امتم باقی مانده که ترک نمی‌کنند: افتخار به حسب و نسب خود، طعنه زدن به حسب و نسب دیگران، طلب باران به وسیله ستاره‌ها و داد و فریاد واویلا کردن بر مرده و همچنین فرمود: زنی که بر مرده نوحه خوانی می‌کند، اگر از عمل خود پشیمان نشود در روز قیامت وقتی

برخاسته می‌شود پیراهنی از قطران[1] و زرهی از گری بر تن دارد».

در این رابطه احادیث بسیار است این همه عقوبت و سزا برای ارتکاب اعمالی همچون واویلا و نوحه سرایی است چه برسد به اینکه اعمالی دیگر همچون: ظلم و ستم بر مسلمانان (اصحاب)، لعن و نفرین و دشنام و توهین به آنان و همکاری کردن با کفار در رسیدن به اهداف ضد دینی خود که انداختن فتنه و فساد و اختلاف در میان مسلمین است نیز به آن اضافه می‌شود.

تاثیر احادیث ضعیف و موضوع در ظهور و انتشار بدعت

سنّی گراهایی بوده‌اند که احادیثی جعلی و ساختگی را روایت کرده و یا بر ایشان روایت شد که پایه بدعتهای مخصوص روز عاشورا را بر آنها گذاشته که بدین گونه خواسته‌اند با اعمال اهل تشیع مقابله کنند، در واقع به وسیله باطل با باطل مقابله کرد و بدعت را با بدعت پاسخ داده‌اند، هر کدام از این دو اعمال بیشترین فتنه و فساد را به دنبال داشته و کفار را در رسیدن به هدفشان بهتر یاری می‌دهد مانند حدیث طولانی (غسل عاشورا) که می‌گوید: کسی که در روز عاشورا غسل کند در طول سال مریض نمی‌شود هر کس که در آن روز چشمان را سرمه بمالد آن سال درد چشم پیدا نمی‌کند.

در این روایت، اعمالی دیگر مانند: حنا گرفتن (حنابندان) در روز عاشورا، با یکدیگر دست دادن و غیره نیز، یافت می‌شود به اتفاق تمام محدثین اهل سنت، این حدیث و امثال آن دروغ محض و جعلی و ساختگی هستند هر چند که در بعضی از کتابهای حدیثی یافت می‌شوند و هستند مؤ لفینی که گفته‌اند: این حدیث صحیح است اما همچنان که قبلاً گفته ایم بدون شک چنین گفته‌ایی کاملاً غلط است و هیچکدام از پیشوایان امت اسلام غسل کردن، سرمه به چشم زدن حنا بستن و غیره را در روز عاشورا

۱- شیره‌ایی است که از بعضی از درختان مانند صنوبر گرفته و به شتر می‌مالند. ألمنجد باب قاف (مترجم).

مستحب ندانسته‌اند و حتی یک نفر از کسانی که بتوان در امورات دینی به وی مراجعه کرد چنین موردی را ذکر نکرده و این اعمال را پیامبر اکرمﷺ و جانشیانش ابوبکر و عمر و عثمان و علی انجام نداده‌اند. این و امثال آن در هیچکدام از مسانید معتبر حدیثی مانند: مسند امام احمد، مسند اسحاق، سند حمیدی، مسند دالانی، مسند ابویعلی و غیره و یا در هیچ کدام از صحاح سته و سنن و سایر آثار محدثین مانند: موّطأ امام مالک، کتاب حدیث وکیع، مصنف حافظ عبدالرزاق و یا کتاب‌های ارزشمند امام ابن منصور، امام ابن ابی‌شیبه وغیره یافت نمی‌شود. (با توجه به وجود این روایت جعلی و ساختگی) عده‌ایی از اهل بدعت گمان کرده‌اند که کسانی که در روز عاشورا غسل کرده یا سرمه به چشم زده و یا حنا به موی خود بزنند این کارها را به خاطر دشمنی و عداوت با اهل بیت و انتقام گرفتن از آنان انجام می‌دهند، اما اهل سنت واقعی به آنان پاسخ داده و برائت خود را از دشمنی با اهل بیت پیامبر اعلام داشته و روشن کرده‌اند که در واقع اهل سنت، بیشتر مستحق و لایق دوستی و موالات با اهل بیت هستند و در حقیقت نیز چنین است.

اما هستند کسانی از اهل سنت (با وجود محبت و موالات و دوستی فراوان با اهل بیت، به علت عدم اطلاع از ساختگی بودن چنین روایاتی) واقعاً گمان کرده‌اند که چنین اعمالی در روز عاشورا مستحب است. حال خدا می‌داند چه کسی این روایات را جعل کرده و چنین بدعتهایی ساخته و آیا واقعاً هدفش دشمنی با اهل بیت بوده یا با شیعه؟ اما در هر حال، هدایت را بایستی از خداوند گرفت و گشتن به دنبال هدایت از طریق غیر خدا، گمراهی است.

بر ما واجب است از کتاب و سنتی که از جانب پروردگارمان برای ما نازل شده پیروی کرده و به راه راست پایبند باشیم، راه کسانی که خداوند نعمت (ایمان) را به آنان عطا فرموده یعنی پیامبران، تصدیق کنندگان آنان، شهدای راه حق و نیکوکاران.

و همچنین بر ما لازم است همگی به ریسمان محکم و ناگسستنی چنگ‌زده و پراکنده نشویم و به هر آنچه خدا امر فرموده امر کنیم که معروف همان است و از آنچه خداوند

نهی فرموده نهی کنیم که در واقع منکر نیز همان است و تلاش کنیم در تمام کارهای نیکمان اخلاص داشته باشیم و دین اسلام همین است و بس.

(این آیات قرآن را ببینید که همگی دعوت به اخلاص عمل و وحدت و پرهیز از تفرقه می‌کنند).

﴿بَلَىٰۚ مَنۡ أَسۡلَمَ وَجۡهَهُۥ لِلَّهِ وَهُوَ مُحۡسِنٞ فَلَهُۥٓ أَجۡرُهُۥ عِندَ رَبِّهِۦ وَلَا خَوۡفٌ عَلَيۡهِمۡ وَلَا هُمۡ يَحۡزَنُونَ ١١٢﴾ [البقرة: ١١٢].

«بله آن کس که روی خود را تسلیم خدا کرده و در عین حال نیکوکار است اجر و پاداش او نزد خدا بوده و ترس بر آنان نیست و غم و اندوهی ندارند».

﴿وَمَنۡ أَحۡسَنُ دِينٗا مِّمَّنۡ أَسۡلَمَ وَجۡهَهُۥ لِلَّهِ وَهُوَ مُحۡسِنٞ وَٱتَّبَعَ مِلَّةَ إِبۡرَٰهِيمَ حَنِيفٗاۗ وَٱتَّخَذَ ٱللَّهُ إِبۡرَٰهِيمَ خَلِيلٗا ١٢٥﴾ [النساء: ١٢٥]. «چه کسی دین بهتری دارد از آن کسی که روی خود را تسلیم خدا کرده و در عین حال نیکوکار است و دنبال راه پاک ابراهیم می‌رود و براستی که خداوند ابراهیم را دوست و محبوب خود قرار داده‌است».

﴿وَإِذَا فَعَلُواْ فَٰحِشَةٗ قَالُواْ وَجَدۡنَا عَلَيۡهَآ ءَابَآءَنَا وَٱللَّهُ أَمَرَنَا بِهَاۗ قُلۡ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يَأۡمُرُ بِٱلۡفَحۡشَآءِۖ أَتَقُولُونَ عَلَى ٱللَّهِ مَا لَا تَعۡلَمُونَ ٢٨ قُلۡ أَمَرَ رَبِّي بِٱلۡقِسۡطِۖ وَأَقِيمُواْ وُجُوهَكُمۡ عِندَ كُلِّ مَسۡجِدٖ وَٱدۡعُوهُ مُخۡلِصِينَ لَهُ ٱلدِّينَۚ كَمَا بَدَأَكُمۡ تَعُودُونَ ٢٩ فَرِيقًا هَدَىٰ وَفَرِيقًا حَقَّ عَلَيۡهِمُ ٱلضَّلَٰلَةُۚ إِنَّهُمُ ٱتَّخَذُواْ ٱلشَّيَٰطِينَ أَوۡلِيَآءَ مِن دُونِ ٱللَّهِ وَيَحۡسَبُونَ أَنَّهُم مُّهۡتَدُونَ ٣٠﴾ [الأعراف: ٢٨-٣٠].

«وقتی کار بدی انجام می‌دهند می‌گویند: پدران ما بر این راه بوده‌اند و خدا نیز ما را بدین کار امر فرموده، بگو هرگز خدا به کار بد دستور نمی‌دهد آیا کلامی را به خدا نسبت می‌دهید که به آن آگاهی ندارید؟ بگو پروردگارم به قسط و داد امر کرده و (فرموده است) در هر محل سجده‌ایی روی خود را برای عبادت خدا خالص کرده و خالصانه وی را بخوانید که دین و برنامه از آن او است. همچنان که از اول شما را خلق کرده باز می‌گرداند عده‌ایی از شما هدایت یافته و عده‌ایی دیگر گمراهی بر وی واجب می‌گردد براستی که آنان به جز خدا (بجای او) شیاطین را دوست و سرپرست خود قرار داده و گمان می‌کنند که هدایت یافته‌اند».

﴿يَـٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱتَّقُواْ ٱللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِۦ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُم مُّسۡلِمُونَ ١٠٢... يَوۡمَ تَبۡيَضُّ وُجُوهٞ وَتَسۡوَدُّ وُجُوهٞ﴾ [آل‌عمران: ۱۰۲]. «ای کسانی که ایمان آورده اید، تقوای خدا را پیشه کرده و سعی کنید که جز به مسلمانی از دنیا نروید تا آنجا که می‌فرماید: (روز قیامت) روزی است که چهره‌هایی سفید و نورانی و چهره‌هایی دیگر سیاه می‌شوند».

امام ابن عباس می‌فرماید: چهره‌های اهل سنت و جماعت سفید و نورانی و چهره‌های اهل بدعت و حزبگرایی سیاه می‌شوند.

﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ فَرَّقُواْ دِينَهُمۡ وَكَانُواْ شِيَعٗا لَّسۡتَ مِنۡهُمۡ فِي شَيۡءٍ﴾ [الأنعام: ۱۵۹]. «آنانیکه دین خود را پارچه پارچه کرده و به گروهها و حزبها تقسیم شده‌اند، تو در هیچ موردی با آنان نیستی».

﴿وَمَآ أُمِرُوٓاْ إِلَّا لِيَعۡبُدُواْ ٱللَّهَ مُخۡلِصِينَ لَهُ ٱلدِّينَ حُنَفَآءَ وَيُقِيمُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَيُؤۡتُواْ ٱلزَّكَوٰةَۚ وَذَٰلِكَ دِينُ ٱلۡقَيِّمَةِ ٥﴾ [البينة: ۵]. «به آنان امر نشده جز اینکه خالصانه برای خدا عبادت کنند که دین و برنامه از آن او است و نماز را بر پا داشته و زکات را بپردازند که این، دین راست و محکم و مستقیم است».

گنبد و بارگاه و قبرهای منسوب به پیامبران جعلی و دروغین است.

تنها دربار قبر ائمه دروغ پردازی نشده بلکه قبرهای منسوب به پیامبران نیز، ساختگی است مانند: قبری که در دامنه کوهی در لبنان نزدیک بعلبک که به آن قبر حضرت نوح می‌گویند و یا قبری که در جلو مسجد جامع دمشق واقع است و به قبر حضرت هود معروف است که در واقع قبر معاویه پسر ابی‌سفیان است.

و یا قبر أبی ابن کعب (صحابی) در شرق دمشق در حالی که به اتفاق تمام علما ابی ابن کعب به دمشق نیامده و همچنین قبرهای همسران پیامبر (اُمهات المؤمنین) در دمشق در حالی که همه آنان در مدینه منوره وفات یافته‌اند.

و یا قبر علی ابن حسین و امام جعفر صادق در مصر در حالی که علما بر ساختگی بودن آنان اتفاق نظر دارند و این دو شخصیت بزرگوار هر دو در مدینه وفات یافته‌اند.

شیخ عبدالعزیز کنانی در کتاب الحدیث المعروف می‌گوید: درباره قبر پیامبران به جز پیامبر خودمان هیچ حدیث و روایت ثابت و مورد اطمینانی در دست نیست و هستند کسانی که گفته‌اند به جز قبر پیامبر خودمان تنها قبر حضرت ابراهیم صحیح است.

سبب اضطراب در تعیین محل قبر بزرگان چیست؟

علت اضطراب علما در تعیین و تشخیص محل قبر بزرگان این بوده که محفوظ ماندن قبر از جمله مسائل دینی نیست چون پیامبر اکرم از اینکه قبر، محل سجده واقع شود نهی فرموده است.

پس چیزی که دانستنش جزو مسائل دینی نباشد، محفوظ ماندنش نیز واجب نیست. اما علمی که خداوند پیامبرش را برای آن فرستاده، محفوظ و نگهبانی شده است همچنان که خداوند می‌فرماید: ﴿إِنَّا نَحۡنُ نَزَّلۡنَا ٱلذِّكۡرَ وَإِنَّا لَهُۥ لَحَٰفِظُونَ ٩﴾ [الحجر: ۹]. «ما خود قرآن را نازل کرده و خود نیز از آن محافظت می‌کنیم».

در حدیث صحیح موجود است که پیامبر فرمود: «لاَ تَزَالُ طَائِفَةٌ مِنْ أُمَّتِي ظَاهِرِينَ عَلَى الْحَقِّ لاَ يَضُرُّهُمْ مَنْ خَذَلَهُمْ تقوم الساعة». «همیشه عده‌ایی از امتم بر دفاع از حق باقی می‌مانند، کسانی که با آنان مخالفت می‌کنند و یا می‌خواهند آنها را ذلیل و خوار کنند، نمی‌توانند به آنان ضرری برسانند و این وضع ادامه دارد تا قیامت برپا خواهد شد».

ریشه این دروغ پردازیها گمراهی و بدعت‌گزاری و شرک است. گمراهان گمان کرده‌اند که سفر کردن به سوی این قبرها و نماز خواندن و نذر و نیاز کنار آنها و بوسیدن و لمس کردن و غیره، عبادت و کار نیک محسوب می‌شوند حتی می‌بینیم که یکی از پیشوایان رافضی به اسم محمد پسر نعمان مشهور به شیخ صدوق و ملقب به مرتضی و

ابی جعفر طوسی در کتابی تألیف کرده با نام «ألحج الی زیارة المشاهد»، در این کتاب روایات زیادی در رابطه با زیارت قبر و سفر به سوی آنها را به پیامبر و اهل بیت نسبت داده که نمونه آن برای زیارت خانه خدا در دست نیست.

بیشترین روایاتی که در کتابش ذکر کرده واضح‌ترین دروغ و روشن‌ترین تهمت است و من بسیار بیشتر از اکاذیب و افترائات کتاب‌های یهود و نصاری در آن کتاب دروغ و افترا را دیده ام، این روایات را در اصل منافقین و کفار به وجود آورده و ساخته‌اند تا بدین شیوه بتوانند راه مردم از پیشرفت به سوی دین اسلام را گرفته، دینشان را فاسد کرده و نابود کننده اخلاص در عبادت و دین یعنی شرک را برایشان اختراع کنند.

همچنانکه ابن عباس و عده‌ایی دیگر از سلف صالح در رابطه با این آیه شریفه که درباره قوم نوح می‌فرماید: ﴿وَقَالُواْ لَا تَذَرُنَّ ءَالِهَتَكُمْ وَلَا تَذَرُنَّ وَدًّا وَلَا سُوَاعًا وَلَا يَغُوثَ وَيَعُوقَ وَنَسْرًا ٢٣ وَقَدْ أَضَلُّواْ كَثِيرًا﴾ [نوح: ۲۲-۲۳]. «و می‌گفتند خدایان خود را ترک نکنید و همچنین ودّ و سواع، یغوث، یعوق و نسر را ترک نکنید و بدین شیوه مردمان زیادی را گمراه کردند».

(سلف) می‌فرماید: این پنج نام، اسامی مردان صالحی از قوم نوح بوده وقتی مرده‌اند مردم روی قبر آنان عبادت کرده و سپس تصویر و مجسمه آنان را ساخته‌اند.

امام بخاری در صحیح خود ین داستان را به طور مفصل در اول کتاب قصص الأنبیاء بیان فرموده است.

اینگونه شد که عده‌ایی از فلاسفه ستاره پرست و مشرک در تأیید این شرک، کتابهایی تالیف کرده و گروه خبیث قرامطه باطنیه بر دشمنی خدا و رسول به توافق رسیده تا به کمک یکدیگر توانستند مردمان بسیار زیادی را گمراه کرده و از راه راست دورشان کنند.

کمترین علامت و نشانه آنان تعطیل مساجد و در مقابل تعظیم و بزرگداشت قبور ائمه است. آنها قبر ائمه را بزرگ داشته و آنها را (مانند خانه خدا) زیارت می‌کنند قبرها را به

گونه‌ایی برای خدا شریک قرار می‌دهند که هرگز خدا و پیامبر و پیشوایان دین به آن امر نکرده بلکه خداوند متعال به شدت بندگان خود را از آن باز می‌دارد.

و مسجد همان مکان مقدسی که خداوند به ساختن و عبادت و ذکر در آن امر فرموده را عملاً تخریب و ویران کرده‌اند نمازهای جمعه و جماعت را به بهانه‌های واهی مانند: نماز فقط پشت سر معصوم جایز است، ترک می‌کنند.

اولین کسی که قول به عصمت امام علی را اختراع کرد

اولین کسی که قول به عصمت امام علی و خلافت بلافصل وی را ابداع کرد رئیس این منافقان عبدالله پسر سبأ یهودی بود، این مرد در اصل یهودی بوده و به ایمان و اسلام تظاهر می‌کرد و همچنان که بولص دین نصاری را به فساد کشاند، ابن سبأ نیز خواست دین اسلام را به فساد بکشاند، امام علی در عهد خلافت خویش وقتی شنید که ابن سبأ به ابوبکر و عمر اهانت می‌کند خواست تا وی را به قتل برساند اما او فرار کرد.

کسانی نیز بودند که امام علی را خدای خویش می‌دانستند امام علی آنان را با آتش سوزاند و در رابطه با کسانی که وی را بر ابوبکر و عمر برتری می‌دادند فرمود: هر کدام از آنان را بگیرم حدّ مفتری (هشتاد ضربه شلاق) را بر وی جاری می‌کنم.

این گمراهان دروغ پرداز، دنباله روان منافقین و کفار مهم‌ترین شعار دین اسلام و ستوان آن را تعطیل کرده و بزرگترین سنت و روش از سنن‌هایت پیامبر را ترک کرده‌اند با چنین بهانه‌ایی پوچ و بی‌معنا در نماز جمعه و جماعت شرکت نمی‌کنند[1].

دارندگان این عقیده در میان مساجد و مقابر فرقی نگذاشته و انواع عبادت مانند: نماز، دعا، تلاوت قرآن، ذکر و غیره را همانند مساجد در مقابر نیز مشروع و روا می‌دانند حتی

۱- دیدیم که در ایران تا حکومت شیعه تشکیل نشد جمعه و جماعت وجود نداشت و اولین نماز جمعه تهران به امامت طالقانی پس از تشکیل حکومت و پیروزی انقلاب اقامه شد (مترجم).

گاهاً با زبان حال یا مقال عبادت در کنار قبر را بر عبادت در مساجد برتری می‌دهند در بسیاری از موارد اگر یکی از آنان قصد توبه و عبادت کند، فوراً به نزد قبر یکی از بزرگان رفته و در آنجا آنچنان با جدیت به دعا و گریه و خشوع و خضوع و توبه کردن می‌پردازد که هرگز در مساجد و یا نیمه‌های شب و سجده‌های وی برای پروردگار چنین حالتی دیده نمی‌شود.

کار به جایی رسیده که بیشتر آن جاهلان چگونه قوم نصاری از حضرت عیسی و مادرش کمک و یاری می‌طلبند، اینها نیز مردگان را به یاری و کمک می‌خوانند آن هم در کارهایی از قبیل حل مشکلات بر آورده شدن نیازها، آسانی کارها، غلبه بر دشمن، دفع مصیبت و بلا و امثال اینها که جز در توان پروردگار زمین و آسمان نیست.

حتی وقتی یکی از آنان به حج می‌رود هدف اصلی و نیت درونی‌اش انجام عبادتی نیست که خدا بر وی فرض کرده و شعار یکتاپرستی آئین ابراهیمی است بلکه مقصود اصلی وی از حج کردن، زیارت مدینه است و حتی هدف وی از زیارت مدینه نیز کاری نیست که پیامبر اکرم او را به انجام آن تشویق کرده همچنان که می‌فرماید: «صَلاةٌ فِي مَسْجِدِي هَذَا خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ صَلاةٍ فِيمَا سِوَاهُ، إِلا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ». «خواندن یک نماز در مسجد من بهتر از خواندن هزار نماز در سایر مساجد است جز مسجد الحرام».

و در مدینه منوره نیز به کارهایی اهمیت نمی‌دهد که خداوند به آن امر فرموده از قبیل فرستادن درود و سلام بر پیامبر اکرم، اطاعت امر و تبعیت از سنتهای ایشان، احترام و بزرگداشت وی به نحوی که او را از خانواده، ثروت، اولاد، اقوام و حتی از نفس خویش محبوب‌تر بداند. بلکه تنها منظور وی از سفر به مدینه، زیارت قبر پیامبر و چند قبر دیگر است که نه تنها خدا و پیامبرش به آن امر نفرموده‌اند بلکه یاران پیامبر نیز آن را انجام نداده و ائمه و پیشوایان دینی هم تأیید نکرده‌اند.

بعضی مواقع زیارت قبر را بر حج خانه خدا برتری داده و یا آن دو را با هم برابر می‌دانند، در هر حال به اتفاق تمام علما، تمام این موارد گمراهی آشکار و انحراف از دین

است.

نهی از سفر به قصد زیارت قبر، رأی جمهور علما است.

اصل سفر کردن به قصد زیارت قبر، نزد جمهور علم نامشروع است حال فرقی ندارد آن قبر پیامبر یا غیر پیامبر باشد حتی رأی جمهور بر این است در صورت وقوع چنین سفری آن مسافر به علت معصیت بودن سفرش نمی‌تواند نمازهایش را شکسته بخواند بلکه باید تمام آنها را کامل بخواند برای این برخورد شدید نیز به این حدیث صحیح پیامبر استناد کرده‌اند که می‌فرماید: «لَا تُشَدُّ الرِّحَالُ إِلَّا إِلَى ثَلَاثَةِ مَسَاجِدَ: الْمَسْجِدُ الْحَرَامُ وَالْمَسْجِدُ الْأَقْصَى، وَمَسْجِدِي هَذَا». «به سوی هیچ مکانی بار سفر نبندید جز به سوی سه مسجد: ۱- مسجد الحرام ۲- مسجد الأقصی ۳- همین مسجد خودم» (جای شک و تردید نیست که) پیامبر از همه بیشتر به این مسئله علم و آگاهی داشته است. کلیه احادیثی که در رابطه با زیارت قبر آمده ضعیف بلکه بیشتر آنان ساختگی و جعلی هستند. تا حدی که امام مالک و بسیاری دیگر از مجتهدین امت اسلام می‌گویند: کراهت دارد بگویی: قبر پیامبر را زیارت کردم، مشروع و مستحب این است که وقتی به نزد قبر پیامبر رسیدی، بر وی سلام کنی، همانند صحابه و تابعین که چنین کرده‌اند، این موضوع در جاهای دیگر روشن گشته است.

یکی دیگر از اعمال نامشروعی که از آن نهی شده طواف کردن غیر کعبه است. تمام مسلمانان بر این متفق‌اند که طواف فقط مخصوص بیت المعمور بوده و جایز نیست اماکنی همچون صخره بیت المقدس، حجره پیامبر، قبه کوه عرفات و غیره را طواف کرد.

و همچنین بر این نیز متفق‌اند که لمس کردن و بوسیدن نیز، جز برای رکن یمانی و حجر الأسود نامشروع و ناروا است حجر الأسود لمس گشته و بوسیده می‌شود و رکن یمانی فقط لمس می‌شود چون قول به بوسیدن رکن یمانی ضعیف است.

اما بوسیدن و لمس کردن اماکنی همچون گوشه‌های بیت الله الحرام، دو رکن شامی، مقام ابراهیم، صخره بیت المقدس، حجره پیامبر، قبر پیامبران و اولیا و غیره همگی نامشروع و ناروا است.

پیامبر اکرم از اینکه امتش مانند یهود و نصاری گردد، هشدار داده است

در صحیحین (مسلم و بخاری) از ابی هریرة روایت است که پیامبر اکرم فرمود: «قَاتَلَ اللَّهُ الْيَهُودَ وَالنَّصَارَى اتَّخَذُوا قُبُورَ أَنْبِيَائِهِمْ مَسَاجِدَ». و فی روایة لـمسلم: «لعن اللَّهُ الْيَهُودَ وَالنَّصَارَى اتَّخَذُوا قُبُورَ أَنْبِيَائِهِمْ مَسَاجِدَ». «خداوند یهود و نصاری را نابود کند که قبر پیامبران خود را محل سجده قرار داده‌اند». و در روایت مسلم آمده که: «خدا یهود و نصاری را لعنت کند که قبر پیامبران خود را سجده گاه قرار داده‌اند».

و همچنین در صحیحین از ام المؤمنین عایشه و ابن عباس روایت است که: «لمَّا نَزَلَ بِرَسُولِ اللَّهِﷺ طَفِقَ يَطْرَح خَمِيصَة لَهُ عَلَى وَجْهه, فَإِذَا اِغْتَمَّ كَشَفَهَا عَنْ وَجْهه فَقَالَ: لَعْنَة اللَّه عَلَى الْيَهُود وَالنَّصَارَى, اِتَّخَذُوا قُبُور أَنْبِيَائِهِمْ مَسَاجِد يُحَذِّر مِثْل مَا صَنَعُوا». «پیامبر اکرمﷺ در مرض الوفاتش هر بار که احساس شدت درد می‌کرد با تکه پارچه‌ایی صورت مبارکش را می‌پوشاند اما به محض اینکه مقداری آرام می‌شد، فوراً پارچه را بر می‌داشت و در همان حالت می‌فرمود خدا یهود و نصاری را لعنت کند که قبر پیامبران خود را محل سجده قرار داده‌اند». پیامبر به وسیله این جملات به امت خود از ارتکاب چنین عملی هشدار می‌داد.

و دوباره در صحیحین از ام المؤمنین عایشه روایت است که فرمود: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِﷺ فِي مَرَضِهِ الَّذِي لَمْ يَقُمْ مِنْهُ: لَعَنَ اللَّهُ الْيَهُودَ وَالنَّصَارَى اتَّخَذُوا قُبُورَ أَنْبِيَائِهِمْ مَسَاجِدَ. قَالَتْ: وَلَوْلا ذَلِكَ أُبْرِزَ قَبْرُهُ غَيْرَ أَنَّهُ خُشِيَ أَنْ يُتَّخَذَ مَسْجِداً». «پیامبر

اکرمﷺ در همان مریضی آخر که از آن بر نخواست فرمود: خداوند یهود و نصاری را لعنت کند که قبر پیامبران خود را محل سجده قرار دادند، و اگر پیامبر چنین نمی‌فرمود، قبرش را بلند می‌کردیم اما ترس از این بود که مبادا سجده‌گاه مردم قرار بگیرد».

در صحیح مسلم از جندب بن عبدالله روایت است که فرمود: «سَمِعت النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَبْلَ مَوْتِهِ بِخَمْسٍ، يَقُولُ : قَدْ كَانَ لِي مِنْكُمْ إِخْوَةٌ وأَصْدِقَاءُ وَإِنِّي أَبْرَأُ إِلَى اللَّهِ أَنْ يَكُونَ لِي مِنْكُمْ خَلِيلٌ، وَلَوْ كُنْتُ مُتَّخِذًا خَلِيلا مِنْ أُمَّتِي لاتَّخَذْتُ أَبَا بَكْرٍ خَلِيلا، وَإِنَّ رَبِّي عَزَّ وَجَلَّ قَدِ اتَّخَذَنِي خَلِيلا كَمَا اتَّخَذَ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلا، أَلا وَإِنَّ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ كَانُوا يَتَّخِذُونَ قُبُورَ أَنْبِيَائِهِمْ وَصَالِحِيهِمْ مَسَاجِدَ فَلا تَتَّخِذُوا الْقُبُورَ مَسَاجِدَ فَإِنِّي أَنْهَاكُمْ، عَنْ ذَلِكَ». «من از اینکه در میان شما خلیلی[1] انتخاب کنم برائت خود را به نزد خدا اعلام می‌کنم خداوند مرا به عنوان خلیل خود انتخاب فرموده و اگر قرار بود در میان امتم کسی را به عنوان خلیل انتخاب کنم، ابوبکر را انتخاب می‌کردم، آگاه باشید امتهای قبل از شما قبر پیامبران خود را به محل نماز تبدیل کرده بودند، بیدار باشید شما قبرها را سجده گاه قرار ندهید من شما را از چنین کاری باز می‌دارم».

و همچنین در صحیح مسلم از ابو مرثد غنوی روایت است که پیامبر فرمود: «لا تجلسوا على القبور ولا تصلوا إليها». «روی قبر ننشینید و به سوی ان نماز نخوانید».

از ابوسعید خدری نیز روایت است که می‌فرماید: پیامبر اکرمﷺ فرمود: «الْأَرْضُ كُلُّهَا مَسْجِدٌ إِلَّا الْمَقْبَرَةَ وَالْحَمَّامَ». «همه جای سرزمین محل سجده است جز گورستان و حمام»[2].

در صحیحین از ام المؤمنین عایشه روایت است که فرمود: «لمّا اشتكى النبيﷺ ذكر له بعض نسائه أنها رأت كنية بأرض الحبشة يقال له: مارية وكانت أم سلمة وأم حبيبة

۱- خلیل به دوستی گفته می شود که محبت وی در دل بالاترین محبت باشد. النهاية فی غريب الحديث والأثر ج۱ باب خاء (مترجم).

۲- ابوداود، ابن ماجه و ترمذی آن را روایت کرده بعضی از آنها آن را مرسل دانسته و حافظ آن را صحیح می‌داند.

أتيا أرض الحبشة فكرتا من حسنها وتصاويرها فيها فرفع رأسه فقال: أولئك إذا مات فيهم الرجل الصالح بنوا على قبره مسجداً وصوّروا فيه تلك الصّور اولئك شرار الخلق عندالله».

«وقتی پیامبر اکرمﷺ مریض شد همسرش ماریه کنیسه‌ایی را که در سرزمین حبشه دیده بود برایش تعریف می‌کرد، ام سلمه و ام حبیبه (که در وقت هجرت) به حبشه رفته بودند از زیبائیها و تصاویر داخل آن گفتند، پیامبر اکرم سرش را بلند کرد و فرمود: آن قوم (نصاری) اگر مرد صالحی در میان آنها بمیرد بر قبرش مسجدی ساخته و آن تصاویر را داخل آن می‌برند آنان بدترین مخلوق نزد خدایند».

ابن عباس رضی الله عنهما می‌فرماید: «لَعَنَ رَسُولُ اللَّهِ زُوَّارَاتِ الْقُبُورِ وَالْمُتَّخِذِينَ عَلَيْهَا الْمَسَاجِدَ وَالسُّرُجَ»[1].

«پیامبر خدا زنان زیارت کننده قبر را لعنت کرده و همچنین بر کسانی که بر روی قبر، مسجد ساخته و آن را چراغانی می‌کنند لعنت فرستاده است».

امام مالک در موطأ از پیامبر اکرمﷺ نقل کرده که فرمود: «**اللّهُمَّ لا تجعل قبری وثنا یعبد**». «پروردگارا قبر مرا بتی قرار نده که پرستش شود».

و همچنین در سنن ابی داود نیز آمده که پیامبر فرمود: «لاَ تَتَّخِذُوا قَبْرِي عِيداً وَلاَ تَجْعَلُوا بُيُوتَكُمْ قُبُوراً». «قبر مرا محل رفت و آمد قرار ندهید و منازل خود را به گورستان تبدیل نکنید». (پس عبادت در گورستان حرام و نامشروع است) اما عبادت در مساجد مانند: نماز، تلاوت قرآن، دعا و غیره (امری مشروع و دستور خدا است این آیات قرآن را ببینید که همگی آنها انسان را به عبادت در مساجد تشویق می‌کنند).

﴿وَمَنۡ أَظۡلَمُ مِمَّن مَّنَعَ مَسَٰجِدَ ٱللَّهِ أَن يُذۡكَرَ فِيهَا ٱسۡمُهُۥ وَسَعَىٰ فِي خَرَابِهَآ﴾ [البقرة: ۱۱۴]. «چه کسی ظالمتر از آن کسی است که (مردم را) از ذکر و یاد خدا در مساجد منع کرده و

۱- ابوداود، نسائی و ترمذی آن را روایت کرده و ترمذی آن را حسن دانسته است.

در ويرانی مسجد تلاش می‌کند؟».

﴿إِنَّمَا يَعۡمُرُ مَسَٰجِدَ ٱللَّهِ مَنۡ ءَامَنَ بِٱللَّهِ وَٱلۡيَوۡمِ ٱلۡأٓخِرِ وَأَقَامَ ٱلصَّلَوٰةَ﴾ [التوبة: ۱۸]. «کسانی مساجد را آباد می‌کنند که به خدا و روز قيامت ايمان داشته و نماز را برپای می‌دارند».

﴿قُلۡ أَمَرَ رَبِّي بِٱلۡقِسۡطِۖ وَأَقِيمُواْ وُجُوهَكُمۡ عِندَ كُلِّ مَسۡجِدٖ﴾ [الأعراف: ۲۹]. «بگو پروردگارم به عدالت دستور داده و امر فرموده که در هر مسجدی عبادت خود را برای خدا خالص کنيد».

﴿وَأَنَّ ٱلۡمَسَٰجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدۡعُواْ مَعَ ٱللَّهِ أَحَدٗا ١٨﴾ [الجن: ۱۸]. «مساجد متعلق به خدايند پس همراه خدا کسی ديگر را نخوانيد».

﴿فِي بُيُوتٍ أَذِنَ ٱللَّهُ أَن تُرۡفَعَ وَيُذۡكَرَ فِيهَا ٱسۡمُهُۥ﴾ [النور: ۳۶]. «در خانه‌هايی که خدا اجازه داده بر پا گشته و در آنها ذکر و ياد خدا گردد».

﴿وَلَا تُبَٰشِرُوهُنَّ وَأَنتُمۡ عَٰكِفُونَ فِي ٱلۡمَسَٰجِدِ﴾ [البقرة: ۱۸۷]. «در حالی که در مساجد مشغول اعتکاف هستيد با همسران خود مقاربت نکنيد».

در صحيحين آمده که پيامبر اکرمﷺ فرمود: «صلاة الرجل فى الـمسجد تفضل على صلاته فى بيته وسوقه بخمس وعشرين درجة وفى لفظ صلاة الجماعة أفضل من صلاة أحدكم بخمس وعشرين درجة». «نماز انسان در مسجد ۲۵ برابر برتر از نماز وی در منزل و يا مغازه‌اش می‌باشد و در لفظی ديگر می‌فرمايد: نماز جماعت ۲۵ درجه برتر از نماز هر کدام از شما (بصورت انفرادی است)».

در حديث صحيح آمده که پيامبر بزرگوار می‌فرمايد: «أَثْقَلَ صَلاَةٍ عَلَى الْمُنَافِقِينَ صَلاَةُ الْعِشَاءِ وَصَلاَةُ الْفَجْرِ وَلَوْ يَعْلَمُونَ مَا فِيهِمَا لأَتَوْهُمَا وَلَوْ حَبْوًا وَلَقَدْ هَمَمْتُ أَنْ آمُرَ بِالصَّلاَةِ فَتُقَامَ ثُمَّ آمُرَ رَجُلاً فَيُصَلِّيَ بِالنَّاسِ ثُمَّ أَنْطَلِقَ مَعِي بِرِجَالٍ مَعَهُمْ حُزَمٌ مِنْ حَطَبٍ إِلَى قَوْمٍ لاَ يَشْهَدُونَ الصَّلاَةَ فَأُحَرِّقَ عَلَيْهِمْ بُيُوتَهُمْ بِالنَّارِ». «سنگين‌ترين نماز بر دوش شما منافقين نمازهای عشاء و صبح است و اگر می‌دانستند چه اجر

و پاداشی در آن دو نماز وجود دارد خود را به مسجد می‌رساندند حتی اگر تنها روی دست و زانو ممکن بود، براستی که می‌خواستم دستور به برپایی نماز جماعت داده و مردی را برای امامت نماز انتخاب کنم و سپس با مردانی که هیزم و چوب خشک همراه دارند بروم و منازل کسانی را که در نماز جماعت حاضر نشده‌اند بسوزانم».

در صحیح مسلم از ابوهریره روایت شده که: «أَتَى النَّبِيَّﷺ رَجُلٌ أَعْمَى فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّهُ لَيْسَ لِي قَائِدٌ يَقُودُنِي إِلَى الْمَسْجِدِ. فَسَأَلَ رَسُولَ اللَّهِﷺ أَنْ يُرَخِّصَ لَهُ فَيُصَلِّيَ فِي بَيْتِهِ فَرَخَّصَ لَهُ فَلَمَّا وَلَّى دَعَاهُ فَقَالَ: هَلْ تَسْمَعُ النِّدَاءَ بِالصَّلاَةِ. فَقَالَ نَعَمْ. قَالَ: فَأَجِبْ». «مرد نابینایی به محضر پیامبر آمده و گفت: ای پیامبر خدا کسی را ندارم که دستم را گرفته و مرا به مسجد برساند و از پیامبر درخواست کرد تا اجازه دهد نمازهایش را در منزل بخواند پیامبر به وی اجازه داد اما وقتی مرد خواست برود پیامبر وی را صدا زد و فرمود: آیا صدای اذان را می‌شنوی؟ آن مرد گفت: بله، پیامبر فرمود: پس باید اجابت کنی (به مسجد بیایی)».

همچنین در صحیح مسلم آمده که عبدالله ابن مسعود فرموده است: «مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَلْقَى اللَّهَ غَدًا مُسْلِمًا فَلْيُحَافِظْ عَلَى هَؤُلاَءِ الصَّلَوَاتِ حَيْثُ يُنَادَى بِهِنَّ فَإِنَّ اللَّهَ شَرَعَ لِنَبِيِّكُمْﷺ سُنَنَ الْهُدَى وَإِنَّهُنَّ مِنْ سُنَنِ الْهُدَى وَلَوْ أَنَّكُمْ صَلَّيْتُمْ فِي بُيُوتِكُمْ كَمَا يُصَلِّي هَذَا الْمُتَخَلِّفُ فِي بَيْتِهِ لَتَرَكْتُمْ سُنَّةَ نَبِيِّكُمْ وَلَوْ تَرَكْتُمْ سُنَّةَ نَبِيِّكُمْ لَضَلَلْتُمْ وَمَا مِنْ رَجُلٍ يَتَطَهَّرُ فَيُحْسِنُ الطُّهُورَ ثُمَّ يَعْمِدُ إِلَى مَسْجِدٍ مِنْ هَذِهِ الْمَسَاجِدِ إِلاَّ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ خَطْوَةٍ يَخْطُوهَا حَسَنَةً وَيَرْفَعُهُ بِهَا دَرَجَةً وَيَحُطُّ عَنْهُ بِهَا سَيِّئَةً وَلَقَدْ رَأَيْتُنَا وَمَا يَتَخَلَّفُ عَنْهَا إِلاَّ مُنَافِقٌ مَعْلُومُ النِّفَاقِ وَلَقَدْ كَانَ الرَّجُلُ يُؤْتَى بِهِ يُهَادَى بَيْنَ الرَّجُلَيْنِ حَتَّى يُقَامَ فِي الصَّفِّ».

«هرکس که دوست دارد فردای قیامت به صورت یک مسلمان به حضور خدا برسد، از این نمازها محافظت کند براستی که خداوند سنتهای هدایت را برای پیامبر شما مشروع فرموده و این نمازها از جمله آن سنتها هستند و اگر شما مانند این فردی که از نماز جماعت تخلف کرده و

در منزل خود نماز را خوانده در منازلتان نمازها را بخوانید راه و روش پیامبرتان را ترک کرده اید و اگر راه و روش وی را ترک کنید گمراه می‌شوید هر کس که وضوی صحیحی گرفته و سپس به یکی از مساجد برود با هر قدمی که برمی‌دارد خداوند برای وی حسنه‌ایی نوشته، درجه‌ایی مقامش را بلند کرده و گناهی را از وی پاک می‌کند (شما) ما را می‌دیدید (در زمان پیامبر) جز منافعی آشکار هیچ کس از نماز جماعت تخلف نمی‌کرد. (به تحقیق می‌دیدی اگر کسی مریض بود با وجود مریضی‌اش) خود را درمیان دو نفر آویزان می‌کرد و آن دو نفر وی را کمک کرده و می‌آوردند تا داخل صف نماز جماعت می‌شد».

این فصل بسیار وسیع است که ما با کتابهایی که بر راه و روش هدایت در این مورد نوشته ایم، بسیار هشدار داده ایم که به راستی جدایی است میان اهل توحید دنباله روان آئین ابراهیمی و تابعین دینی که خداوند پیامبرانش را برای تحقق بخشیدن به آن فرستاده و کتابهایش را نیز به همین منظور نازل فرموده و در میان کسانی که حق را با باطل پوشانده و توحید را با شرک آمیخته‌اند.

این آیات قرآن را بنگرید که همگی به توحید امر کرده و از شرک حذر می‌دهند

﴿وَسۡـَٔلۡ مَنۡ أَرۡسَلۡنَا مِن قَبۡلِكَ مِن رُّسُلِنَآ أَجَعَلۡنَا مِن دُونِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ءَالِهَةٗ يُعۡبَدُونَ ٤٥﴾ [الزخرف: ۴۵]. «درباره کسانی که قبل از تو به عنوان پیامبر آنها را فرستاده ایم بپرس،آیا به جز خدای مهربان خدایانی را برای پرستش قرار داده‌ایم؟».

﴿وَمَآ أَرۡسَلۡنَا مِن قَبۡلِكَ مِن رَّسُولٍ إِلَّا نُوحِيٓ إِلَيۡهِ أَنَّهُۥ لَآ إِلَٰهَ إِلَّآ أَنَا۠ فَٱعۡبُدُونِ ٢٥﴾ [الأنبياء: ۲۵]. «ما هیچ پیامبری را قبل از تو نفرستاده ایم مگر اینکه به او وحی کرده ایم که هیچ معبود بر حقی جز من وجود ندارد پس فقط مرا پرستش کنید».

﴿وَلَقَدۡ بَعَثۡنَا فِي كُلِّ أُمَّةٖ رَّسُولًا أَنِ ٱعۡبُدُواْ ٱللَّهَ وَٱجۡتَنِبُواْ ٱلطَّٰغُوتَ﴾ [النحل: ۳۶]. «درمیان هر امتی پیامبری را مبعوث کردیم تا آن قوم الله راپرستش کرده و از طاغوت دوری گزینند».

﴿وَمَآ أُمِرُوٓاْ إِلَّا لِيَعۡبُدُواْ ٱللَّهَ مُخۡلِصِينَ لَهُ ٱلدِّينَ﴾ [البينة: ۵]. «به آنها امر نشده بود جز اینکه خالصانه برای الله عبادت کنند که دین، فقط از آن او است».

﴿فَأَقِمۡ وَجۡهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفٗاۚ فِطۡرَتَ ٱللَّهِ ٱلَّتِي فَطَرَ ٱلنَّاسَ عَلَيۡهَاۚ لَا تَبۡدِيلَ لِخَلۡقِ ٱللَّهِۚ ذَٰلِكَ ٱلدِّينُ ٱلۡقَيِّمُ وَلَٰكِنَّ أَكۡثَرَ ٱلنَّاسِ لَا يَعۡلَمُونَ ٣٠ ۞مُنِيبِينَ إِلَيۡهِ وَٱتَّقُوهُ وَأَقِيمُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَلَا تَكُونُواْ مِنَ ٱلۡمُشۡرِكِينَ ٣١ مِنَ ٱلَّذِينَ فَرَّقُواْ دِينَهُمۡ وَكَانُواْ شِيَعٗاۖ كُلُّ حِزۡبِۢ بِمَا لَدَيۡهِمۡ فَرِحُونَ ٣٢﴾ [الروم: ۳۰-۳۲].

«خود را برای عبادت و دین پاک خدا خالص کنید، این فطرت خداوندی است که مردم را بر آن آفریده و آفرینش پرورگار غیر قابل تغییر است، این دین محکم و استوار است اما بیشتر مردم نمی‌دانند به سوی خدا برگشته و تقوای او را داشته باشید و نماز را برای داشته و از زمره مشرکین قرار نگیرید مشرکینی که دین خود را پارچه پارچه کرده و به گروههای متعددی تقسیم شده‌اند و هر حزبی به برنامه خود شادمان است».

مجموع الفتاوی جلد ۴ ص۴۹۸ به بعد با تصرفی اندک.